

حقوق بشر در ترازو

بررسی تطبیقی اسناد جهانی حقوق بشر

با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

www.ketab.ir

حقوق بشر در ترازو

بررسی تطبیقی اسناد جهانی حقوق بشر
با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تقی دشتی

ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۰ شمارهگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

جیب و صحافی: مچاپ



کانون اندیشه جوان

سرشناسه: دشتی، تقی، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور: حقوق بشر در ترازو: بررسی تطبیقی اسناد جهانی حقوق بشر

با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / حقوق: تقی دشتی.

مشخصات نشر: تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰.

بها: ۳۲۰۰۰ شابک: 978-600-159-087-0

یادداشت: واژه‌نامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: حقوق بشر. موضوع: حقوق اساسی -- ایران.

رده‌بندی کنگره: ۳۲۳۸۴/د۷-۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۱۸۱/۳۹۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۶۶۴۲

تهران: نقاط بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۷۳-۲۲۶ _ ۸۸۵۰۳۳۱۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: کلیات

۱۹ یک. معانی و تعاریف حقوق. ۲۰ دو. تعریف و تبیین اجمالی حقوق بشر.
۲۴ سه. رابطه اسلام و حقوق بشر.

۳۱	فصل دوم: مقایسه قانون اساسی ایران و اسناد جهانی حقوق بشر
۳۱	یک. مقایسه مبانی. ۳۷ الف. نظریه حقوقی مبتنی بر عدالت.
۴۰	ب. نظریه کرامت انسانی. ۴۵ دو. مقایسه اصول. ۴۶ الف. اصل
	حیثیت و منزلت انسانی. ۴۷ ب. اصل آزادی. ۴۹ ج. اصل برابری.
۵۲	سه. مقایسه حقوق. ۵۲ الف. امنیت. ۵۳ الف. امنیت حیثیت و آبرو.
۵۴	الف. ۲. امنیت جان (حق حیات). ۵۵ الف. ۲. امنیت مال.
۵۶	الف. ۴. امنیت شغلی ۵۷ الف. ۵. امنیت مسکن. ۵۸ الف. ۶. امنیت
	خلوت (مصونیت از تجسس). ۵۹ الف. ۷. امنیت اقامت. ۵۹ الف. ۸. امنیت
	قضایی. ۶۰ الف. ۱-۸ اصل برائت. ۶۲ الف. ۲-۸ لزوم قانونی بودن
	تعقیب (دستگیری، تفهیم اتهام و تسریع در تشکیل پرونده).
۶۳	الف. ۳-۸ حق دادخواهی، دفاع و انتخاب وکیل. ۶۴ الف. ۴-۸ اعلنی
	بودن دادگاه. ۶۶ الف. ۵-۸ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها.

۶۸ الف. ۶-۸ امنیت متهمان و محکومان در مقابل فشار و تعرض غیرقانونی. ۶۸ یک. منع فشار و آزار و شکنجه در کسب اقرار و شهادت و سوگند. ۶۹ دو. منع هتک و حرمت به متهمان و محکومان. ۷۱ ب. آزادی‌ها. ۷۱ ب. ۱. حق تعیین سرنوشت (حق مشارکت). ۷۴ یک. تاسیس نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی. ۷۴ دو. انتخابات و همه‌پرسی. ۷۵ ب. ۲. آزادی عقیده. ۷۶. نظر اسلام در مورد ارتداد. ۸۲ مقایسه مواد مربوط به آزادی عقیده در اسناد حقوق بشری و قانون اساسی ایران. ۸۵ اصل آزادی عقیده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۸۶ ۱. آزادی داشتن عقیده. ۸۷ ۲. آزادی بیان و ابراز عقیده. ۸۷ ۳. منع تفتیش عقیده. ۸۸ ب. ۳. آزادی اطلاعات و مطبوعات. ۹۲ ب. ۴. آزادی تشکل. ۹۷ ب. ۵. آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز. ۹۸ ج. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ۹۸ ج. ۱. حق کار و منع کار اجباری. ۱۰۰ ج. ۲. حمایت از بیکاران. ۱۰۰ ج. ۳. حق برخورداری از تأمین اجتماعی. ۱۰۱ ج. ۴. حق اعتصاب. ۱۰۲ ج. ۵. حق حمایت از خانواده. ۱۰۴ ج. ۶. حق آموزش. ۱۰۶ ج. ۷. حق مالکیت فکری. ۱۰۸ د. حقوق بشر در موارد خاص. ۱۰۸ د. ۱. حقوق زنان. ۱۱۳ یک. تساوی از نظر خلقت. ۱۱۴ دو. تساوی در کسب کمالات و فضایل انسانی. ۱۱۶ ۳. تساوی در کیفر و پاداش. ۱۲۳ د. ۲. حقوق اقلیت‌ها. ۱۲۹ د. ۳. پناهندگان.

۱۳۱ فصل سوم: پاسخ به سؤالات

۱۳۱. ۱. ایرادهای وارد بر موازن حقوق بشری (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین) ۱۳۳. ۲. حقوق بشر به مثابه یک ابزار سیاسی. ۱۳۶. ۳. راه برون رفت در موارد تعارض میان قوانین عادی و اساسی ایران با حقوق بشر. ۱۳۸. ۴. امکان جهانشمولی حقوق بشر با توجه به تنوع فرهنگها و مکاتب فکری. ۱۴۱. ۵. رابطه مبانی حقوق بشر با مبانی قانون اساسی ایران. ۱۴۲. ۶. رابطه اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مردم سالاری.

۱۴۶ نتیجه گیری

۱۴۶. ۱. در مبانی. ۱۴۸. ۲. در اصول. ۱۴۹. ۳. در حقها.

۱۵۰. جدول (تطبیق حقهای مطرح شده در قانون اساسی ایران و اسناد جهانی حقوق بشر) بر اساس مدل سه شاخگی (C3).

۱۵۳ فصل چهارم: پیوستها

۱۵۳. پیوست ۱. مفاد و اصول مرتبط با حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۷۸. پیوست ۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.

۱۸۹ منابع

۱۹۳ فهرست آیات

۱۹۷ نمایه

پیشگفتار

بحث حقوق بشر اسلامی به دهه‌های اول و دوم قرن اول هجری بازمی‌گردد و به همین دلیل می‌توان از قرآن کریم به عنوان یکی از کهن‌ترین و جامع‌ترین اسناد مدون حقوق بشر نام برد. همچنین تحولات دوران پیامبر اکرم (ص) بیانگر یک انقلاب سیاسی و ارزشی در زمینه مسائل حقوق بشر است. پیامبر (ص) و ائمه (ع) برای دفاع از حقوق و ارزش‌های اساسی انسان تلاش‌های بسیار کردند، بنابراین کرامت انسانی و ارزش‌های اخلاقی از ریشه تنومندی در فرهنگ دینی اسلام برخوردارند. به‌طور کلی می‌توان گفت: «اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است، اما اندیشه حقوق بشر در غرب بر مبنای اومانیسم (انسان‌گرایی) است و همین امر باعث تمایز حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی است.»

کتاب حاضر با رویکرد تبیین واقعیت‌های موجود پیرامون مقوله حقوق بشر در غرب و مقایسه آن با قانون اساسی کشورمان می‌کوشد در حله‌توان خویش چشم‌انداز قابل قبولی از حقوق بشر راستین ارائه کند. در این رهگذر از کتاب، سنت، عقل، عرف، قانون اساسی، اعلامیه و بیانیه و هر سند محکمه‌پسند دیگری استمداد شده تا گفته شود هر آنچه را باید گفت. بیان کلیات و تعاریف، مقایسه مبانی و اصول حقوق بشر در غرب و اسلام

شاکله اصلی کتاب پیش رو را تشکیل می‌دهد. اصولی چون اصل منزلت و حیثیت انسانی، اصل آزادی و برابری و حقوقی چون امنیت با تمامی شقوق آن از جمله امنیت حیثیت، جان، مال، شغل، مسکن، خلوت، اقامت و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با بیان مصادیقی چون حق کار و حق آموزش در این کتاب مورد واکاوی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه در فصل سوم پاره‌ای از اصلی‌ترین سوالات رایج درباره تفاوت‌های حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی، طرح و سپس پاسخ داده می‌شوند.

توفیق تقدیم این اثر به خوانندگان اندیشه‌ورز نصیب مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی کانون اندیشه جوان شده است؛ مرکزی که رسالت دغدغه‌مند آن، ضمن حرکت در گفتمان انقلاب اسلامی، رفع شبهات و پاسخگویی به سوالات مخاطب جوان در حیطه مسائل کلامی، فلسفی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه امروز ماست. این مرکز ضمن استقبال از پیشنهادهای شما خواننده ارجمند درباره این اثر، عزم راسخ و استوار خویش را در زمینه پذیرش طرح‌ها، ایده‌ها و پژوهش‌های انجام شده صاحب‌نظران و محققان محترم اعلام می‌دارد. در انتها بر خود لازم می‌دانیم به پاس قلم روان محقق ارجمند جناب آقای تقی دشتی زبان به تشکر بگشاییم و از ویراستار محتوایی اثر جناب آقای محمدمهدی توکلی نیز صادقانه سپاسگزار باشیم.

مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی

مقدمه

۱. مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظام‌ها، سنن، آداب و قوانین خاص با یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند. زندگی انسان، اجتماعی است به این معنی که «ماهیت اجتماعی» دارد. نیازها، بهره‌ها و بر خور داری‌ها، کارها و فعالیت‌ها ماهیت اجتماعی دارند و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندی‌ها یک سلسله سنن و نظام‌ها میسر نیست.^۱

۲. انسان‌ها به‌رغم میل به «تنهایی» دارای استعدادی به نام «معاشرت‌جویی» و «اجتماع‌پذیری» هستند که آنها را به برقراری ارتباط با هم‌نوعان خود ترغیب می‌کند. به عبارتی با اینکه افراد جامعه «میل به تنهایی» را در باطن خود دارند و هیچ‌وقت گرایش آنها برای حفظ حریم خصوصی، استقلال و بودن با خویشان خویش از بین نرفته است، اما میل به «معاشرت‌جویی و اجتماع‌پذیری» آنها را به ماندن در کنار همدیگر و تشکیل زندگی اجتماعی تشویق نموده است و همین استعداد معاشرت‌جویی و اجتماع‌پذیری تا حد قابل توجهی میل تنهایی انسان و خلوت‌گزینی او را با

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۳۱.

تحدید و تقیید روبه‌رو کرده است و زوائد این خلوت‌گزینی و تنهایی‌جویی را پیراسته است. هنگامی که مسئله حضور افراد در کنار همدیگر مطرح می‌شود، برقراری ارتباط آنها با هم امری بدیهی خواهد بود. این ارتباط می‌تواند دو حالت داشته باشد:

الف) رابطه معمولی و طبیعی که عمدتاً به صورت طبیعی و عاطفی برقرار می‌شود و در شکل‌گیری آن تدبیر خاص وجود ندارد؛ مانند روابط موجود در یک خانواده؛

ب) رابطه نظام‌مند و همراه با ضابطه که عمدتاً براساس عقل و تدبیر به وجود آمده است؛ مثل روابط موجود در یک جامعه سیاسی.

وقتی که بحث روابط افراد با همدیگر پیش می‌آید، لاجرم باید قواعدی هم برای تنظیم آن وجود داشته باشد. بنابراین برای تنظیم روابط افراد در یک جامعه سیاسی و ساماندهی اشتراکات و اختلافات به وجود آمده در جریان این روابط، باید قواعد و مقرراتی تدوین و تنظیم شود تا جامعه دچار درهم‌ریختگی و نابسامانی نشود.

۳. نظام حقوقی هر کشوری نیاز به یکسری اصول و خط‌مشی‌های نسبتاً پایدار دارد تا اولاً امور مهم دولت - کشور و قوای حکومتی را سامان دهد و ثانیاً: برای این قوا و سازمان‌ها محدوده‌ای مشخص کند. رابطه مردم و حکومت در چارچوبی تعریف شده به نظم درمی‌آید. این مجموعه اصول «قانون اساسی» است که سرآمد نظام حقوقی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و انتظام‌بخش قدرت و تضمین‌کننده آزادی‌های مردم است. قسمت‌هایی از این قانون اساسی که تأمین حقوق افراد جامعه از سوی دولت را تضمین

نموده، «حقوق ملت» نام گرفته است. این فصل از قانون اساسی معمولاً از مهم‌ترین قسمت‌های آن به شمار آمده و در اغلب کشورها به طور ویژه‌ای محترم شمرده می‌شود.

۴. واقعیت این است که در جهان امروز، به واسطه رنجی که بشر در طول سال‌ها و قرون متمادی از استبداد حاکمان و دیکتاتوری زورمداران زربالار متحمل شده است و ظلم‌هایی که حکومت کلیسای کاتولیک در اروپای قرون وسطا جاری نمود و دردهایی که بشریت از استعمار غربی و تبعیض نژادی و دینی به آن دچار شد، توجه به حقوق بشر جایگاهی خطیر یافته است تا با اهتمام دنیا، حقوق ملت‌ها را در برابر دولت‌ها تضمین کند و ساختارهای خلل‌ناپذیری برای رابطه نامتقابل دولت-ملت در نظر گیرد.

۵. در جمهوری اسلامی ایران نیز قانون اساسی بسان سایر کشورهای ضابطه‌مند، بر سایر قوانین، مقررات و رفتار حاکمان و مسئولان حکومت اهمیت داشته و برتری خود بر آنها را مورد تأکید قرار داده است^۱ و حقوق ملت نیز به تبعیت از گفتمان حاکم در اسلام سیاسی-اجتماعی یکی از مهم‌ترین فصل‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید که طبق قاعده فوق بر مقررات و اعمال حکومت حاکم است. این روش برگرفته از متون روایی اسلامی است که در عرض بررسی جایگاه حکومت، به تکالیف متقابل دولت و ملت در برابر یکدیگر نیز پرداخته می‌شود.^۲

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر فصل مربوط به

۱. اصول ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۲۰، ۱۳۸ و... قانون اساسی.

۲. ر.ک: خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه.

«حقوق ملت»، اصول متعدد دیگری از قانون اساسی به مسئله حقوق بشر اختصاص دارند.^۱ در قانون اساسی ایران، سعی شده است تا اصول مربوط به حقوق ملت نیز مانند دیگر اصول قانون اساسی بر تعالیم مکتب اسلام مبتنی باشند. بیشترین نمود این اهتمام در اصل چهارم قانون اساسی مشاهده می‌شود که بر اساس آن تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشند. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر دین اسلام قرار گرفته است^۲ با حقوق بشر مصطلح در جهان غرب چه رابطه‌ای دارد؟ به عبارت دیگر و در یک نگاه جزئی‌تر باید به چند سؤال مهم زیر پاسخ داده شود.

الف) اینکه ابتدای قانون اساسی ایران بر اسلام است و خدامحوری در همه شئون آن دیده می‌شود با زیربنای فکری حاکم بر حقوق بشر مصطلح جهان غرب چه تفاوت‌هایی دارد؟

ب) از نظر اصول حاکم بر حقوق بشر مصطلح در جهان غرب، وضعیت قانون اساسی ایران در حوزه حقوق بشر چگونه ارزیابی می‌شود و چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی با هم دارند؟

۱. اصول ۲ (پنجد ۶)، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۶.

۵۹ قانون اساسی در این رابطه قابل طرح هستند. رک: خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه.

۲. اصل چهارم قانون اساسی.

ج) از مجموعه حقوقی که برای افراد جامعه در اسناد جهانی حقوق بشر پیش‌بینی شده، چه تعداد از آنها در قانون اساسی ایران وجود دارند؟ و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها با هم چیست؟

د) بالعکس، از مجموعه حقوق پیش‌بینی شده در قانون اساسی ایران، در حالت کلی چه تعداد در اسناد جهانی حقوق بشر وجود دارد و در صورت وجود تفاوت و تعارض، دلیل آن چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها نظرهای مختلفی ابراز می‌شود؛ به عبارتی در حال حاضر در مورد انطباق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق بشر مصطلح چند نظریه یا تصور وجود دارد.

یک. برخی که به‌طور مطلق خود را معتقد به حقوق بشر مصطلح می‌دانند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به دلیل عدم تطابق صددرصدی با حقوق بشر مصطلح، مورد خردگیری و انتقاد قرار می‌دهند. در این رویکرد، معمولاً مقتضیات زمانی و مکانی پیدایش نظرات نوین حقوق بشری نادیده انگاشته شده و از سوی دیگر واقعیات فرهنگی و عقیدتی جامعه ایرانی و ظرفیت‌های اسلام در برقراری حقوق بشر نادیده گرفته می‌شود. نویسندگان غربی^۱ یا غربگرا و منتقدان فکری و فرهنگی که رویکردی سکولار دارند،^۲ در این دسته می‌گنجند.

دو. عده‌ای دیگر معتقدند که اصول قانون اساسی، تعادلی قابل قبول بین حقوق فردی، حقوق جمعی و حقوق دولت برقرار کرده و در مواردی که

1. Ann Elizabeth mayer, Islam and human rights PP 49- 53.

۲. مهرانگیز کار، پیام مامون، شماره ۱۳.

قانون اساسی با حقوق بشر مصطلح در تعارض است، قانون اساسی از لحاظ سامان بخشی روابط انسان، جامعه، فرد، دوست و مهم تر از همه رابطه مخلوق و خالق، کامل تر از حقوق بشر مصطلح است.

با وجود این مباحث، به نظر می رسد کار علمی مستقل و منسجم در این مورد کمتر صورت گرفته و غیر از چند اثر مناسب، پژوهش شاخصی در این زمینه وجود ندارد. اگرچه این اثر ادعای جامعیت و ارجحیت ندارد، اما اگر بتوانیم با مشخص کردن ابعاد مختلف حقوق بشر، به مقایسه شفاف، مختصر و مفید ملی، اصول و حقوق مربوط به حقوق بشر قانون اساسی ایران با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازیم، وضعیت این دو، نسبت به هم مشخص شده و ابهام در مورد اینکه قانون اساسی ایران و حقوق بشر مصطلح چه رابطه ای با هم دارند، تا اندازه زیادی برطرف خواهد شد. به عبارت بهتر حقوق بشر مصطلح و قانون اساسی ایران به عنوان دو مؤلفه مستقل در نظر گرفته شده و سپس با هم مقایسه شده اند تا تفاوت ها و تضادهای آنها نسبت به هم مشخص شود.

۶. با توجه به استفاده ابزاری کشورهای غربی از حقوق بشر و با در نظر گرفتن حجمهایی که در موضوع حقوق بشر از طرف قدرت های متخاصم به کشورمان وارد می شود و شبهاتی که به طور مستمر به وسیله آنها در اذهان جوانان ایجاد می شود، بسامان رسانیدن این کار از ضروریات است. حداقل وظیفه تحقیق حاضر این خواهد بود که واقعیت ها را برای خوانندگان روشن کند و قضاوت در مورد مسئله مطرح شده را برعهده خود

آنها بگذارد.

۷. نکته دیگر اینکه: در حد توان سعی شده است مطالب کتاب به صورت خلاصه و مفید عرضه شده و از طولانی شدن مباحث تخصصی آن پرهیز شود تا مطالعه آن ملال‌آور نباشد. بنابراین مفاهیم برخی از اصطلاحات و عبارات به صورت خلاصه و مفید تشریح شده‌اند و خوانندگان محترم در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر باید به منابع مرتبط با آن موضوع مراجعه نمایند.

www.ketab.ir